

■ آدم بودن ما به چی بستگی داره؟ اصلاً کی آدمه، کی آدم نیست؟



■ ما آدم بودن رو تو چی می بینیم؟ تعریف ما از یه آدم چه جوریه؟

چه جوری تحملش کنیم! ما هیچ حرف مشترکی با هم نداریم!

حتماً برای تو هم پیش اومده
که با بعضی از آدمها هیچ حرف مشترکی نداری
هیچ کدوم از نظراتتون یه جور در نیامد
و حتی هیچ سرگرمی مشترکی هم ندارین
یا حتی بدتر از اون حتماً برات پیش اومده که سبک زندگی و آرزوهای
بعضیا به نظرت بچگونه
عجیب
یا حتی مسخره اومده!

و در نتیجه وقتی به هم میرسین دو ساعت زل میزنین به دیوار!

■ اما این تفاوت‌ها از کجا آب می‌خوره؟

چرا آدمای مختلف خودشون رو با چیزای مختلفی معنا می‌کنن؟
چرا آدمای آرزوهاشون و یا بهتر بگیم دنیاهاشون با هم اینقدر فرق می‌کنه؟

دولو ویدئو

■ معیار معرفی من



■ اگه ازتون یه سؤال بیرسم بهترتون بر نمی‌خوره؟

شما چقدر خودتون و دوروبری‌هاتونو آدم می‌دونین؟
اصلاً آدم بودن رو تو چی می‌بینین؟

خب جواب این سؤال یه جورایی به کلاس کاری ما هم ربط داره دیگه!
مثلاً اگه از یه بچه بیرسیم آدم چیه، به هر موجود دوپایی که دوتا چشم
و دوتا دست و یه دهن داشته باشه میگه آدم! یعنی ممکنه حتی
عروسکشم آدم حساب کنه.

■ به خورده که بزرگ‌تر همیشه توی تعریفش از آدم‌ها هم به تغییر و تحولاتی رخ میده؛ مثلاً فکر می‌کنه هرکی قوی‌تره، بزرگ‌تره، قشنگ‌تره یا بیشتر بچه داره، پس حتماً آدم‌تره!

قاعدتاً همین جوری که بزرگ‌تر می‌شیم باید تعریفمون از آدم‌ها کامل‌تر بشه، اما بعضیا تو همون تعریفای اولیه‌ی خودشون از آدم می‌مونن! یعنی مثلاً فقط کسایی که به یه شغل و جایگاه اجتماعی رسیدن و دکتر و مهندس و کارخونه‌دار و اینفلوئنسر شدن رو آدم حساب می‌کنن! بعضیا هم که حتی پاشونو از اینم فراتر میذارن و کلاً نخبه‌های علمی و متخصصا و دانشمندا و اعضای هیئت علمی رو آدم حساب می‌کنن و دور بقیه رو به خط‌گنده میکشن!

حالا اینکه کدوم یکی از این تعریفا واسه‌ی آدم درسته، خدا می‌دونه!

تعجب نکنین آخه واقعاً جوابشو فقط خدا می‌دونه!

دوست‌ها

■ آدم اینجوری به پستت خورده تا حالا! از اینا که توی باشگاه اینقدر که به فکر خوش هیکل شدن و ژست گرفتن هستن؛ به خود ورزش فکر نمیکنن!

یا کل دلیلشون از درس خوندن و دکتر شدن اینه که بالای شهر خونه بخرن!

گاهی ما حتی توی اون مرتبه‌ای که داریم براش تلاش میکنیم هم نیستیم!



QR کد را اسکن کنید.



■ واسه‌ی اینکه ما هر وقت يه تلوزيون جديد يا يه کنسول بازی يا پرينتر و... مي‌گيريم، اول از همه ميريم سراغ بروشورش که ببينيم کارخونه‌اش راجع بهش چي گفته، اصلاً توش چي هست و چي نيست؟ چه جوري کار ميکنه؟ هرکدوم از قسمتاش واسه چي گذاشته شده و چه کاربردي داره؟ چون نمي‌خوايم با يه اشتباه بنويم درب و داغونش کنيم. اون وقت همين ما وقتي نوبت به خودمون که تازه خيلي هم از يه کنسول بازی پيچيده‌تر و حساس‌تريم ميرسه، همه رو بي‌خيال مي‌شيم و مي‌چسبيم به همون چيزي که عقل خودمون بهش ميرسه. خب معلومه وقتي خيلي چيزارو راجع به خودمون نمي‌دونيم، تعريفمون از خودمون اشتباه در مياد! انگار که بهمون يه فِراري يا لامبورگيني بدن، بعد ما چون نمي‌دونيم چه سرعتي داره و چه جوري ميتونه همه رو جا بذاره، ازش مثل يه کمد واسه گذاشتن خرت و پرتاي اضافي مون استفاده کنيم؛ يا يه گيمينگ سيستم فول داشته باشيم ولي مثل يه ميز بذاريمش زير گلدونمون تا بياد بالا و بهتر دیده بشه!

رفتار ما با خودمون دقيقاً همين جوريه! يعني اصلاً به اين کار نداريم که سازنده مون ما رو چه جوري تعريف کرده، واسمون چه بخشايي طراحي کرده؟ ايناً دقيقاً کارشون چيه؟ آپشناي اضافي چي داريم و اصلاً قابليت‌مون چند اسب بخاره!!!

نتيجه‌ش هم ميشه اينکه يا خودمون و استعدادامون رو در حد اشياء مي‌بينيم؛ يا فکر مي‌کنيم مثل يه گياه فقط بايد بخوريم و به قشنگي و رشد و بزرگ شدن مون برسيم؛ يا اينکه توانايي هامون رو حتى بدون اينکه حواسمون باشه در حد حيوونا ميدونيم و ميريم دنبال شغل و پست و مقام و تشکيل خنواده و غيره. اگر هم خيلي به قول معروف فاضل و فرهيخته باشيم ميريم دنبال کسب علم و دانش و نهايتاً مي‌شيم يه عاقلی در حد فرشته‌ها! اما هنوز آدم نمي‌شيم!

دوستنام

آدم اینجوری به پستت خورده تا حالا!
از اینا که توی باشگاه اینقدر که به فکر
خوش هیكل شدن و ژست گرفتن هستن!
به خود ورزش فكر نمیکنن!

یا كل دلیشون از درس خوندن و دكتر شدن
اینه که بالای شهر خونه بخرن!

گاهی ما حتی توی اون مرتبه ای که داریم
براش تلاش میکنیم هم نیستیم!



QR کد را اسکن کنید.



بالاخره آدم کیه؟

اصلاً آدم بودن از دید خدا که خالق و سازنده مونه با همه‌ی این تعریف‌ها که
گفتیم فرق داره! این بخشای جمادی و گیاهی و حیوانی و عقلی که گفتیم
همه قسمتای مختلف وجودمون هستن که باید هم باشن و باید هم بهشون
توجه کنیم! اما واسه این توی ما هستن که به آدم شدنمون کمک کنن و گرنه
اگه قراره انقدر بزرگ بشن که خودمون رو با استانداردهای اونا تعریف کنیم،
کلاً بازی رو باختیم! یعنی به جای اینکه تهش ازمون یه آدم دربیاد، نهایتاً می‌شیم
یه چیزی در حد سنگ و آجر و گل و گیاه، یا شایدم یه حیوون عجیب غریب!

■ اما اون چیزی که نباید یادمون بره اینه که آدمیت ما به هیچ کدوم از این قسمتای جمادی و گیاهی و حیوانی و عقلی که گفتیم، ربطی نداره؛ یعنی ما اگه می‌خوایم به اون هدفی که خالق و سازنده‌مون واسمون در نظر گرفته برسیم، باید قسمت انسانی و فوق عقلی وجودمون رو فعال کنیم. میدونی دلیل اینکه خیلی از بزرگترا با وجود پیشرفت‌ها و موفقیت‌های زیاد، شغلی و علمی؛ هیچ وقت حالشون خوب نیست و شاد و آروم نیستن، همین مساله است که اینجا آقای زارع کامل توضیحش دادن:

من انسانم

کوشان درون

borna.montazer.ir

QR کد را اسکن کنید.

■ همون بخشی که از خود خداست و از جنس بی‌نهایتیه!

همون که هیچ محدودیتی واسش نیست و همه‌ی اسم‌ها و صفتتای خدا رو by default تو پیشش فرض خودش داره!

اونی که اگه خودمون رو با حدو اندازه‌هاش تعریف کنیم، میتونه تا خود بی‌نهایت بزرگ بشه و ما رو شبیه خدا کنه!

یادتونه تو مقالہ‌ی قبل گفتیم کہ «ہر گردی گردو نیست» و آدم بودن با اون چیزی کہ قبلاً راجع بہش فکر می‌کردیم فرق دارہ! حالا با اجازہ می‌خوایم از ہمین قالب استفادہ کنیم و بگیم:

ہرچی مادہ و شکل و رنگ و بو داشت، اصلاً ہرکی سروشکل آدمیزادی داشت، لزوماً آدم نیست. اونایی کہ انسان بودن یہ نفرو با تعداد خونہ و ویلا و کارخونہ‌ہاش می‌سنجن آدمای جمادی ہستن.

ہرکی رشد و نمو می‌کرد، قد می‌کشید و احساس داشت، قیافہ داشت و ہیکلش باحال و ورزیدہ بود، لزوماً آدم نیست! اونایی ہم کہ آدم بودن یہ نفر رو با خوشگلی و قد و قوارہ و سلامتی و ہیکل و تعداد بچہ‌ہاش اندازہ می‌گیرن، خودشون آدمای گیاهی ہستن.

ہرکی کلی دفتر و دستک و پست و مقام و شغل آن چنانی و شہرت و... داشت، لزوماً آدم نیست! اونایی کہ ملاک و معیارشون واسہ آدم بودن کسی ایناست، خودشون از حد و اندازہ‌ی یہ حیوان بالاتر نرفتن.

ہرکی عقلش بیشتر می‌رسید، کلی اختراع و اکتشاف و تخصص و درجہ‌ہای علمی داشت، لزوماً آدم نیست! ہرکی ہم کہ این جور چیزا رو ملاک آدم بودن یہ نفر می‌دونہ، نشون میدہ کہ خودش از حد عقلی بالاتر نرفتہ! آدم بودنمون بہ اینہ کہ چقدر اون بخش انسانی‌مون رو کہ از جنس خداست فعال کردیم، چقدر میذاریم اون واسمون تصمیم بگیرہ و انتخاب کنہ، اصلاً چقدر شکل خدا شدیم!

ہمہ‌ی حرفایی کہ امروز زدیم رو میتونی اینجا یہ بار دورہ کنی و در گوشہ بہت بگم! حتی چیزای بیشتری ہم توی این پادکست گیرت میاد:



Qr کد را اسکن کنید.